

آقای بنی صدر «بیطرف» است!

چیز زمان بازیگران ریاکار را افشاء میکنند

از جمله کسانی که پس از پیروزی نام شکوهمند بهمن ماه از یاریس به ایران بازگشتند ابولحسن بنی صدر دوست و همکار قدیمی صادق قطب زاده بود. با این تفاوت که قطب زاده فی الفور به مسئولیت رادیو، تلویزیون منصوب شد اما جناب بنی صدر ظاهراً بدون شغل دولتی و یا بهتر بگوییم هیچ مسئولیتی در امور دولتی، نقش واعظ و مبلغ اصول حکومت اسلامی و تئورسین اقتصاد اسلامی را ایفا کرد. عدم درگیری مستقیم و آشکار بنی صدر در ارگانهای دولتی، و برملا شدن کثافتکاریهای دوستان قدیمی او از جمله یزدی و قطب زاده که در مصدر کار قرار دارند وی را در افکار عمومی، مهره‌ای «ثبرال»، «منطقی» و حتی «دموکرات» معرفی کرد تا جایگاه بعد از بیروز اختلافات با قطب زاده و یزدی، باعث شد که افکار عمومی او را از زاویه «مثلت» معروف بیرون آورد، و وی ظاهراً برای مدتی بین زمین و آسمان به حالت تعلیق درآمد. لیکن امروز خوشبختانه جناب ایشان از حالت تعلیق و بلاتکلیفی خارج شده و نظرات سیاسی شان را میتوان از لابلای نشریه شریفه «انقلاب اسلامی» بروشنی دید. گذشته از این مسوودات اخیر ایران و بویژه اعلام انتخابات مجلس خبرگان و موضوعی که جریانهای سیاسی در این موارد اتخاذ کرده‌اند، بسیاری از جریانهای مهم سیاسی و بخصوص ابهامات پیرامون شخص بنی صدر را تا حدود زیادی آشکار ساخت. بالاخره معلوم شد که بنی صدر «غیردولتی» و یا «ما فوق دولت» این تئورسین و ارشاد کننده خلق اله، عضو شورای انقلاب است! معلوم شد که شخص شخیص ایشان عضو کمیته رهبری حزب جمهوری اسلامی است. معلوم شد که ایشان کاندیدای این حزب برای مجلس خبرگان است. و نه تنها این بلکه باز هم آشکار شد که

ایشان مورد تأیید گروه معلوم الحال فداییان اسلام بوده و از سر اتفاق کاندیدای فداییان اسلام در مجلس خبرگان میباشد. بعبارت دیگر آشکار شد که اثر انگشت بنی صدر در غالب جریانهای سیاسی حاکم مشهود است و این اتفاقی نبود. نقش بنی صدر و کسانی چون وی که در گذشته چهره‌ای لیبرال و دمکرات بخود گرفته بودند برای قدرتمندان کنونی بسیار با اهمیت تر و حساس تر از نقش کسانی است که بطور رسمی در راس قرار گرفته‌اند. ایشان در حالیکه با رشته‌های محکمی به قدرت حاکم پیوند دارند، در حالیکه «منقدانه» اینها و آنجا به برخی از عملکردهای رژیم می‌تازند، اما در واقع بازیکر اول نمایش رژیم میباشد. یعنی در ایجاد توهم وجود آزادی و دمکراسی واقعی در جامعه زیر سلطه روحانیت و در کوبیدن چپ و نیروهای انقلابی البته با مندهای «منطقی تر» و «معقول تر» استاندند. وجود بنی صدرها در شرایط حساس فعلی برای کسانی که خاطره انتقادات ایشان را از دستگاه رادیو تلویزیون قطب زاده به سبب عدم یخش کامل مناظره‌های معروف «شان با» چپی‌ها در اذهان از یاد نبرده‌اند، از لحاظ انسجام و تشبیه قدرت حاکم بسیار با اهمیت تراز قطب زاده ها و یزدی ها است. ایشان عامل جوش دهنده مناقشات درونی قدرتمندان فعلی، جذب و مسخ روشنفکران تهاجم به چپ البته با منطق «بیطرفی» و در بیک کلام عروسکهای پشت پرده‌ای هستند که راه ورودشان به حکومت سرای همه بزرگان باز است در تصمیم گیریها شریکند، منتخب همه آنان هستند اما در ظاهر هیچ رول و مسئولیتی و یا شراکتی در قدرت ندارند. و غیر از این هم نمیتواند باشد. چگونه است که ایشان و نه هر کس دیگری

کاندیدای حزب جمهوری اسلامی و فدائیان اسلام میشوند. ممکن است که اظهار شود که خوب عده ای ایشان را کاندید کرده اند و این مسئله تصمیم آنها بوده است و نه تصمیم جناب بنی صدر. اما روشن است که نماینده کان و کاندیداهای هر جریان سیاسی در درجه اول باید که از لحاظ تصمیم و رهبری آن جریان سیاسی مقبولیت داشته و نظریات شان نیز میبایست الزاماً «با خط مشی سیاسی و نظریات سیاسی این جریانها منطبق باشد، چون هیچ گروهی و سازمانی در تاریخ تاکنون نماینده‌ای مخالف نظر توده‌های خود و مخالف خط مشی سیاسی خود را برای انتخابات تعیین ننموده است. نماینده گروه فدائیان اسلام نیز میبایست که از لحاظ مقبولیت مورد تأیید آیت الله خلخالی ها و از لحاظ سیاسی هم نظر نواب صفوی ها و هم مسلکانش باشد و الا نماینده آنان نمیشود.

ما اطمینان داریم از آنجا که هیچگاه «شخصیت» ها نتوانسته‌اند مگر در کوتاه مدت نقش سیاسی و قرارگاه احتمالی خود را از افکار شوده پنهان کنند. نقش واقعی بنی صدر، و بنی صدر ها نیز خیلی زودتر از آنچه انتظار میرود آشکار خواهد شد. اوضاع حساس و پر حادثه کنونی جنبش مجال زیاده برای پنهانکاری‌های سیاسی نخواهد داد و ایشان دیر یا زود نقش واقعی خود را بعنوان شرکاء قدرت حاکم فعلی به نمایش خواهند گذارد و سالوسی «منطقی» و «بیطرف» بودن برای همه افشاء خواهد شد. اکنون که این «شخصیت» پشت پرده دستش رو شده است و معلوم شده است که تزه‌ای ایشان در انطباق با تزه‌ای رژیم کنونی (و فداییان اسلام) است بررسی جدی تر آنها را ضروری میدانیم و در شماره‌های آینده به آن خواهیم پرداخت. 